

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ جولای ۲۰۲۲

## علنی شدن تضاد های درونی حاکمیت در ورزش!

دوشنبه - ۱۳ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه به خیر های داخلی توجه نموده باشید، امروز کشمکش بین رئیس سابق "بورد کریکت" که می خواست به زور چند تفنگدار با در دست داشتن حکمی از مقامات بالای طالبان وارد دفتر "بورد کریکت" شده چوکی قبلی اش را اشغال نماید، با رئیس فعلی و نیروهای امنیتی تحت امرش به وجود آمد، که در نهایت رئیس قبلی به اتهام جعل اسناد دستگیر و زندانی گردید. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در زمینه خواهیم داشت:

۱- بازی کریکت که در جهان به مثابه بازی بین بریتانیا و مستعمراتش شناخته می شود، تا جایی که از مطالعه تاریخ ورزش در افغانستان بر می آید، در سطح و مقیاس کنونی، تا قبل از تهاجم خونبار شوروی متوقفاً بر افغانستان و فرار سیل پناهجویان به پاکستان، در کشور ما وجود نداشت دقیقاً بعد از بازگشت مهاجران افغان از پاکستان، رواج یافته و می توان آن را سوغاتی دانست که بخش هائی از میلیونها مهاجر مقیم در پاکستان، با خود آورده اند.

۲ - به همین اساس تا جایی که دیده می شود، بازی کریکت عمده بین جوانان و آنهائی زیاد مروج و طرفدار دارد که دوران پناهندگی شان را در پاکستان سپری نموده و در آنجا یا از طریق رفتن به مکاتب پاکستانی، یا از طریق امرار حیات در شهرهای پاکستان با این ورزش آشنا و طرفدار آن شده اند.

آنچه در دامنه گسترش این ورزش در افغانستان از اهمیت برخوردار است، این است که هرچند در پاکستان پناهجویان تمام افغانستان زندگانی می نمودند، مگر این ورزش آنقدر که ولایت های ننگرهار و پکتیا و قسماً خوست رشد نموده طرفدار پیدا کرد، در سایر ولایات حتا ولایت های پشتون نشینی مانند قندهار، زابل و یا هلمند از نفوذ و گسترش مشابه برخوردار نبود.

همین وضعیت باعث شده بود که در تمام بازه زمانی اشغال افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و شرکاء و موجودیت حاکمیت پوشالی و دست نشانده که ورزش کریکت برای خود در افغانستان جای و جایگاهی به دست آورد، ضمن آن که اکثر بازی کنان آن را جوانان بازگشته از پاکستان به خصوص باشندگان ننگرهار و پکتیا و خوست تشکیل می داد، هیأت اداری آن نیز در بیشتر این بازه زمانی، از پشتونهای ننگرهار و یا پکتیائی ترکیب یافته بود.

همه به خاطر داریم که بعد از انتصاب "حمد الله محب" به مقام "مشاوریت ملی ریاست جمهوری" و تلاش وی در جهت تقرر نزدیکان خودش به مقامات اداری در سراسر افغانستان و به نحوی "محبی" سازی سراسر ادارات، نخستین درگیری در بورد کریکت نیز به وجود آمد. در گیری که با مداخله صریح و علنی "غنی احمدزی" به نفع کاندید "محب" قضیه تا حدودی فیصله یافت.

۳- با انتقال قدرت از جواسیس تکنوکرات به طالب و ایجاد نظام ملاسالار، از آن جایی که "شبکه حقانی" در اثر توافقات مخفی با "غنی احمدزی" و باندش نخستین نیروهائی بودند که کابل را اشغال نمودند، در نتیجه آرزوی آنها این بود که تمام آنچه مربوط به افغانستان به خصوص کابل می شود تحت حاکمیت و اداره آنها قرار گیرد. تحقق این آرزو از دو جهت با مشکل مواجه بود، یکی مقاومت طرف مقابل یعنی جناح "درانی" ها که آهسته آهسته همه به دور "ملا برادر، ملا یعقوب" و کاکایش جمع شدند و از جانب دیگر فقدان کادر لازم برای گماشتن به تمام مقامات از جانب "شبکه حقانی" بود.

با در نظر داشت همین مشکل "شبکه حقانی" در حالی که اکثریت ادارات بی ارزش از طرف رقیب اشغال می شد، بسیار آگاهانه تلاش نمود تا نخست سلطه و نفوذش را با تکیه بر مقامهای وزارت داخله و ریاست امنیت ملی، در زمینه امنیتی گسترش داده تقریباً تمام قومندانی های امنیه را با تقرر افراد متعلق به "شبکه حقانی"، پر نماید.

۴- در چنین فضائی ریاست "بورده کریکت" بیشتر به خاطر امکانات مادی و چانس مسافرت های خارجی، خیلی زود از طرف آنها اشغال شده، رئیس قبلی آن "عزیز الله افضلی" را که پیوند هائی با جناح "درانی" های حاکمیت داشت، از آنجا بیرون انداخته، فرد مورد نظر خود را به کار گماردند.

بعد از ختم تجمع مفتخوران و توصیه های "امیر غایب" مبنی بر جلوگیری از نفاق و تحکیم برادری بین جناح های مختلف طالب، جناح "درانی" با گرفتن فرمانی از "حسن آخندزاده" خواست "عزیز الله افضلی" را در معیت تعدادی از بزرگان ورزش به کرسی ریاست "بورده کریکت" برسانند، امری که به مقاومت افراد "سراج الدین حقانی" مواجه شده، برخوردار از حمایت شخص "سراج الدین حقانی" و رئیس "امنیت ضدملی" طالب، نه تنها "افضلی" را در داخل دفتر راه ندادند بلکه تمام آنها را به اتهام جعل اسناد، دستگیر و به ریاست امنیت انتقال دادند.

هموطنان گرامی!

داستانی که اکنون از "بورده کریکت" بیرون افتاد، مشت نمونه خروار است از تمام ادارات فعلی در نظام ملاسالار. دلیل اینکار که عدم موجودیت قوانین نافذ و مراکز قدرت متعدد است، بازتاب و انعکاسی است از تضاد های موجود، بین آحاد طالب و ترکیب نظام ملاسالار. اینها که در کل افغانستان را به مثابه عنیمت جنگی می شمارند، الزاماً حین تقسیم با همدیگر نمی توانند کنار بیایند و هر روزی که می گذرد جهت تثبیت قدرت شان با آبرو، حیثیت و جان و مال مردم بازی نموده، به تنها چیزی که نمی اندیشند رفاه مردم و حفظ آبرو حیثیت آنها و موقف و اعتبار کشور می باشد.

اینها نمی خواهند بدانند که مشکلات امروز "بورده کریکت" افغانستان بهانه تازه ای به "بورده کریکت بین المللی" می دهد تا به مشوره بادران و گردانندگان امپریالیستی شان در زمینه مداخلات شان را تشدید نموده، احتمالاً عضویت افغانستان را در "بورده کریکت" به تعویق بیندازند.

تجربه ثابت نموده است که قشر ملا و آخند چیزی بیشتر از اسب گادی نبوده و به جز منافع حقیر خودشان زیر نام جمع کردن خیرات و صدقات به غارت مردم پرداختن، به چیز دیگری نمی اندیشند. این ماهستیم که می باید تصمیم بگیریم که آیا همین طور به حیات مان ادامه می دهیم و یا جهت زندگانی انسانی داشتن، طالب و نظام ملاسالار را با تمام تضادهایش راهی گورستان تاریخ می نمایم

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**